



کارشناسان از آثار راهبرد عقلایی حزب الله در مواجهه با حوادث یک سال اخیر می‌گویند

بازسازی در خفا، دست روی ماشه



علی ملکی

خبرنگار گروه سیاست

در سایه ناتوانی دفاعی دولت لبنان، اسرائیل طی ماه‌های اخیر حملات مداوم نظامی و عملیات ترور را در مناطق مختلف این کشور به اجرا گذاشته است. پرسش اصلی این است که چرا حزب الله که تا مدتی پیش از این، حملاتی هدفمند علیه مواضع اسرائیل در شهرک‌های اشغالی انجام می‌داد، اکنون جای پاسخ را خالی گذاشته است. تحلیل و بررسی‌های کارشناسان حوزه لبنان از جمله محمد خواجویی و الله کرم مشتاقی نشان می‌دهد این سکوت ظاهری، بخشی از استراتژی حساب‌شده حزب الله است. به‌طور مشخص، حزب الله لبنان پس از جنگ سال گذشته با ضرباتی به ساختار فرماندهی و لجستیکی خود مواجه شد. این آسیب‌ها، نیاز فوری به بازسازی توان رزمی جنبش را ایجاد کرد.

درواقع حزب الله با این سکوت، فرصت بازسازی خود را فراهم کرده تا بتواند در ادامه به‌عنوان یک نیروی مؤثر و توانمند در برابر اشغالگری اسرائیل عمل کند. علاوه بر بازسازی توان رزمی، حزب الله ملاحظات سیاسی و اجتماعی را نیز در نظر گرفته است. حفظ تعهد به آتش بس و مدیریت فشارهای داخلی، به ویژه در طایفه شیعه، باعث شده حزب الله ضمن صبر و بازسازی، مشروعیت سلاح مقاومت و نقش آن در دفاع از لبنان را تقویت کند. تجربه یک سال اخیر نشان داد دولت لبنان بدون حضور حزب الله قادر به دفاع از کشور نیست و همین امر اهمیت استراتژیک حزب الله را در عرصه امنیت ملی برجسته می‌کند. به‌منظور بررسی چرایی سکوت حزب الله در برابر حملات ارتش اشغالگر، با محمد خواجویی و الله کرم مشتاقی، کارشناسان مسائل لبنان گفت‌وگو کرده‌ایم که در ادامه مشروح آن را از نظر می‌گذرانید.

محمد خواجویی: حزب الله با بازسازی توان رزمی، نقش مؤثر خود در دفاع از لبنان را مدیریت می‌کند

حزب الله در حال مدیریت شرایط کنونی است

خواجویی در بخش پایانی گفت‌وگو با تأکید بر اینکه اساساً کارکرد اصلی حزب الله، مقاومت در مقابل اشغالگری است، گفت: «اگر قرار بر این باشد که حزب الله در مقابل اقدامات اسرائیل واکنشی نشان ندهد و از طرف دیگر دولت نیز توانایی دفاع از لبنان را نداشته باشد، استمرار این وضعیت در نهایت به نفع حزب الله نخواهد بود. طبیعتاً این سؤال مطرح می‌شود که این مقاومت کجاست. در یک سال اخیر، با هدف بازسازی همان نکاتی که پیش تر مطرح شد، حزب الله نوعی صبر استراتژیک را پیش گرفته است، اما اگر تصور شود این صبر به صورت دائمی قرار است ادامه پیدا کند، کارکرد و هویت اصلی حزب الله زیر سؤال رفته است، زیرا اشغالگری و استمرار حملات وجود دارد؛ اما از سمت حزب الله اقدامی مشاهده نمی‌شود. اگر چنین اتفاقی رخ دهد، حزب الله از سمت بدنه تحت فشار شدیدی قرار خواهد گرفت. از سوی دیگر، حزب الله با ملاحظات زیادی روبه‌روست تا اقدامی انجام ندهد که شرایط را بسیار بدتر از گذشته کند. در چنین شرایطی، تصمیم‌گیری برای آن‌ها سخت است؛ زیرا هر اقدامی چه واکنش به اسرائیل و چه عدم واکنش، می‌تواند هزینه‌زا باشد. در صورتی که حزب الله سکوت را به طور دائمی ادامه دهد و نسبت به اقدامات اسرائیل واکنشی نشان ندهد، حتی ممکن است در داخل طایفه شیعه جریاناتی شکل بگیرد که علیه وضعیت کنونی و استمرار اشغالگری و حملات اسرائیل اقدام کنند؛ به عنوان واکنشی مؤثر در غیاب اقدامات حزب الله و همچنین در غیاب دولت. به هر حال حزب الله به عنوان نیروی مؤثر و دارای نفوذ بالا، تلاش می‌کند شرایط کنونی را مدیریت کند و به نظر می‌رسد در حال محاسبه برای اتخاذ تصمیم درست در این زمینه است. اسرائیل در گام بعدی خود برای تکمیل نظم مورد نظرش احتمالاً مجدداً سُرغ حزب الله خواهد آمد، زیرا وضعیت کنونی حزب الله برای اسرائیل یک پروژه ناتمام است.»

و نشان دهد تا چه اندازه می‌تواند به عنوان یک طرف رسمی از لبنان و از تمامیت ارضی آن دفاع کند. به عبارتی، این یک جور فرصت دادن به دولت بود برای عرض اندام خود. البته باید در نظر گرفت که پس از گذشت یک سال مشخص شد دولت لبنان، با وجود اینکه حزب الله اقدامی در واکنش به اسرائیل انجام نداده، هیچ‌گونه توانایی برای دفاع از کشور در مقابل اشغالگری و تجاوزات نداشته و با این اتفاق و با صبری که حزب الله در این یک سال داشت، مجدداً مشروعیت و کارکرد سلاح مقاومت به عنوان عامل مؤثر در مقابل اسرائیل اثبات شد. چه‌بسا اگر حزب الله فردای نقض آتش بس توسط اسرائیل اقداماتی علیه اسرائیل انجام می‌داد، دولت می‌توانست بر آن فشار بیاورد. اما اکنون دولت در شرایطی که حزب الله دست به سلاح نزنه، عملاً حرفی برای گفتن ندارد، زیرا توانسته عامل مؤثری باشد. همیشه این استدلال مطرح می‌شد که سلاح باید در انحصار دولت باشد، اما در این یک سال دولت باید دست‌کم توانایی خود را نشان می‌داد که در غیاب سلاح مقاومت می‌تواند از کشور دفاع کند، اما این اتفاق نیفتاد.»

اقتضائات اجتماعی لبنان

اقتضائات اجتماعی داخل لبنان به ویژه در طایفه شیعه، آخرین موضوعی است که به نظر خواجویی، حزب الله را مجاب به سکوت کرده است. او در این باره گفت: «جنگ اخیر آسیب‌هایی به مناطق مسکونی شیعیان وارد کرد و آن‌ها به لحاظ روانی تحت فشار قرار گرفتند. رهبران مؤثر خود را از دست دادند، به ویژه شهید سیدحسن نصرالله و این وضعیت نوعی سرخوردگی را در طایفه شیعه به وجود آورد، به خصوص با ضرباتی که در این جنگ متحمل شدند و با اتفاقاتی که در فضای سیاسی لبنان رخ داد. در چنین شرایطی که جامعه با بحران‌هایی روبه‌روست و مسئله آتش‌بس و بازسازی با اما و اگرهای فراوان همراه است، حزب الله یکی از ملاحظات خود را این قرار داده بود که شرایطی ایجاد نکند که جنگ علیه لبنان دوباره شکل بگیرد و طایفه شیعه مجدداً با ضربات بیشتری روبه‌رو شود.»

الله کرم مشتاقی: حزب الله در حال تثبیت جایگاه خود است

دچار هیجان کنند. وقتی ذهن و افکار عمومی دچار هیجان شوند، اساساً از نگاه راهبردی به نگاه لحظه‌ای گرایش پیدا می‌کنند و نه گذشته را می‌بینند و نه آینده را؛ تنها آن لحظه را می‌بینند. نتایج و هیئت حاکمه رژیم صهیونیستی اکنون به‌شدت نیاز دارند که جامعه جهانی، به‌ویژه صهیونیست‌ها را به سمت هیجان پیش ببرند.»

نیاز اسرائیل به حفظ التهاب کنترل شده

مشتاقی تأکید دارد که رژیم صهیونیستی می‌داند آرامش در غزه و در لبنان و در سوریه به نفع آن‌ها نیست، اما چاره‌ای جز ایجاد این آرامش ندارد. وی ادامه داد: «اگر در جنوب لبنان می‌توانستند غوغا ایجاد کنند، حتماً این کار را می‌کردند؛ اگر می‌توانستند یورش همه‌جانبه‌ای علیه لبنان و غزه انجام دهند و بیش از این وارد سوریه شوند، قطعاً این کار را انجام می‌دادند؛ بنابراین این آرامش نسبی که اکنون در این مناطق وجود دارد به ضرر اسرائیل است، اما چاره‌ای جز این نبوده. ازاین‌رو نتایج و هیئت حاکمه باید صحنه‌آرایی و مدیریت کنند تا فضا از حالت امنیتی خارج نشود؛ یعنی از حالت جنگی خارج شده اما از حالت هیجانی و امنیتی نیز خارج نشود.»

شکست عملیات تمرکززدایی

این کارشناس مسائل لبنان معتقد است تحولات خرداد تا پایان مهر ۱۴۰۳ برای رژیم صهیونیستی ثابت کرد حذف سران ارشد حزب الله هم نمی‌تواند صفحه معادلات را عوض کند، چه برسد به فرماندهان میانی یا سیاسی یا سایر فرماندهان. وی هدف اسرائیل از اکا به این الگوری شکست‌خورده را تمرکززدایی دانسته و افزود: «حزب الله نمی‌خواهد درخصوص آنچه در جغرافیایی به وسعت یک‌دوازدهم لبنان می‌گذرد (یعنی زیر رودخانه لیطانی که ۸۵۰ کیلومتر مربع است در مقابل بیش از ۱۰ هزار کیلومتر مربع جغرافیای لبنان) تمرکز کرده و ظرفیت خودش را صرف جنوب رودخانه کند. از سوی دیگر، با هوشمندی و تدبیر توانسته کاری بکند که تحولات جنوب لبنان در نگاه افکار عمومی، بر عهده حزب الله نباشد؛ بلکه بر عهده دولت و ارتش باشد. یعنی سکوت و عدم سکوت حزب الله می‌تواند مثبت باشد؛ سکوت به این معنا که حزب الله بگوید من بر اساس تعهدی که به دولت داده‌ام، دخالتی نخواهم کرد و افکار عمومی هم می‌بینند که دولت و ارتش نمی‌توانند آرامش یا تعادل را در جنوب رودخانه لیطانی برقرار کنند.»

الله کرم مشتاقی تأکید می‌کند که حزب الله با اتخاذ رویکردی راهبردی و بازسازی تدریجی توان خود، نه‌تنها در مقابل حملات اسرائیل صبر و مقاومت می‌کند، بلکه با مدیریت سیاسی، امنیتی و جمعیتی، شبکه ارتباطی و روابط خارجی خود را تقویت کرده و حفظ برتری و اثرگذاری در منطقه را تثبیت کرده است.

هدف نتایج‌هاوز اجرای عملیات‌های نقطه‌ای

الله کرم مشتاقی در ابتدا توضیح می‌دهد که برای ارائه تحلیل صحیح محور مقاومت لازم است تحلیل روندی یا به تعبیر علمی‌تر، تحلیل فرایندها را جایگزین تحلیل نقطه‌ای کنیم. وی در این باره گفت: «به‌عبارت‌دیگر باید از تحلیل پازلی و تاریخی به‌جای تحلیل جغرافیایی حادثه‌ای استفاده کنیم؛ این معنا که همه محور مقاومت و کل منطقه را با یک نگاه ماهواره‌ای ببینیم؛ یعنی نگاهی فضایی به تحولات داشته باشیم. آنچه در فلسطین می‌گذرد و آنچه را در لبنان و عراق و یمن و ایران و به‌طورکلی در همه جغرافیای غرب آسیا و گاهی شمال آفریقا رخ می‌دهد، باید به‌عنوان قطعات یک پازل در نظر بگیریم. اگر این طور نگاه نکنیم، در واقع وارد بازی تحلیلی دشمن شده‌ایم. اما وقتی فرایندها را اساس قرار دهیم و تحولات را به‌عنوان قطعات یک پازل بزرگ غرب آسیا و شمال آفریقا و حتی در سطح جهانی در نظر بگیریم، پیروز میدان، محصور مقاومت خواهد بود؛ بنابراین آنچه امروز در لبنان می‌گذرد اعم از ترورهایی که انجام می‌شود، نقل‌وانتقالات دشمن در جنوب لبنان و اظهاراتی که دشمن می‌کند اساساً نقطه‌ای هستند. اگر این‌گونه حساب کنیم، وزن پیروزی دشمن بیشتر جلوه می‌کند؛ اما اگر روند را در نظر بگیریم حزب الله و محور مقاومت پیروزند. دشمنان محور مقاومت قصد دارند ازاین‌پس هر تحلیلی که ارائه می‌دهند (که مدت‌هاست این نوع تحلیل را در دستور کار دارند) تحلیل نقطه‌ای ارائه دهند. نمونه‌اش وضعیت غزه است؛ چون رژیم صهیونیستی می‌داند که فرایند به نفع اسرائیل نیست و مجبور است نقطه‌ای تحلیل کند؛ یعنی مثلاً شهادت شهید سنوار را، یا شهادت سید حسن نصرالله را، یا فرضاً انفجار یک تونل و ازین‌رفتن یک هسته مقاومت در یک شهر باریکه غزه را به‌عنوان یک پیروزی بزرگ جلوه بدهد این همان تحلیل نقطه‌ای است. یا مثلاً حمله‌ای به یمن را که چند ساعتی طول می‌کشد، به‌عنوان یک پیروزی بزرگ قلمداد کند. رژیم صهیونیستی تلاش دارد با تحلیل نقطه‌ای، جنگ شناختی و رسانه‌ای، افکار عمومی را از مسیر منطقی خارج و

رشد کانال ارتباطی کشورهای عربی با حزب الله

مشتاقی معتقد است در حال حاضر کشورهای عربی بیشترین «تعاطف» (همدلی) را در طول تاریخ نسبت به حزب الله نشان داده‌اند. وی ادامه داد: «در جنگ ۳۳ روزه که شهید سیدحسن نصرالله به‌عنوان برترین و عزیزترین چهره عربی در میان افکار عمومی شناخته می‌شد، آن زمان هم چنین همدلی‌ای از سوی دولت‌ها وجود نداشت. اکنون تقریباً می‌شود گفت همه کشورهای عربی مایل هستند کانالی برای ارتباط با حزب الله و اعلام همدلی و شاید به‌نوعی تشکر از حزب الله ایجاد کنند، زیرا می‌دانند حزب‌اللهی که زیر این همه آتش و حمله و انتلاف خارجی و ترور سالم بیرون آمده، ارزش همراهی و حساب‌کردن روی آن را دارد. هیچ گروهی در لبنان، حتی دولت لبنان، چنین توانمندی‌ای نداشت؛ یعنی تحت کمتر از یک‌دهم این فشارها، دولت لبنان یا ریاست‌جمهوری و ارتش حتماً فرو می‌پاشیدند، اما حزب الله ایستاد و از مواضعش عقب نشست. این بسپار ارزشمند است و دستگاه‌های محاسبه‌گر و امنیتی کشورهای عربی این موارد را در تحلیل‌های خود حساب می‌کنند.»

سلاح حزب الله در برابر فرسایش دشمن

مشتاقی در بخش پایانی گفت‌وگو با بیان اینکه حزب الله توانسته با استفاده از سه مفهوم تدبیر، صبر و شجاعت به یک مثلث طلایی برسد، گفت: «اتفاق دشمن قصد دارد این ترکیب طلایی را از بین ببرد؛ یعنی صبر حزب الله را به‌صورتی هیجانی خدشه‌دار کند. البته شیخ نعیم گفته که صبر ما حدی دارد، اما این حد صبر با تدبیر و شجاعت تعیین می‌شود، نه با هیجان و حوادثی که مبنای آن تصمیم صهیونیستی باشد. یکی از دلایلی که رژیم صهیونیستی در جنوب لبنان دست به اقدام زده علاوه بر دلایل دیگری که گفته شد همین تلاش برای خدشه‌دار کردن این مثلث است. در نهایت من معتقدم که رژیم صهیونیستی در جنوب لبنان در وضعیتی قرار دارد که چانه‌گذاری‌اش در جغرافیای محدود جنوب لبنان همان پنج نقطه استراتژیک و چه عقب‌نشینی‌نش، به نفع حزب الله خواهد بود. دیر نیست که شاهد یک پیروزی از جنس عقب‌نشینی سال ۲۰۰۰ باشیم. هرچه این عقب‌نشینی زودتر اتفاق بیفتد، برای رژیم صهیونیستی آبرودنتر است؛ اما هرچه طولانی‌تر شود، حزب‌الله می‌تواند استفاده مفهومی و ابزاری بیشتری از این اشغالگری ببرد.»